

فلسفه در ایران

مجموعه مقالات فلسفی

مولفان:

استادان گروه فلسفه، شبکه ادبیات و علوم انسانی

انتشارات محراب

۱۳۹۵

عنوان و نام پدیدآور	: فلسفه در ایران (مجموعه مقالات فلسفی) / مولفین استادان گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
مشخصات نشر	: تهران: محراب، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۶ ص.
شابک	: 978-600-8568-00-1
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
یادداشت	: چاپ قبلی: حکمت، ۱۳۵۸.
موضوع	: فلسفه اسلامی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: Islamic philosophy -- Addresses, essays, lectures
موضوع	: فلسفه -- تاریخ
موضوع	: Philosophy -- History
موضوع	: فلسفه ایرانی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: Philosophy, Iranian -- Addresses, essays, lectures
شناسه افزوده	: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فلسفه
رده‌بندی کنگره	: ۱۱۹۵ قفسه ۵۸۹ BR
رده‌بندی دیویی	: ۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۰۳۹۲۲



انتشارات محراب

فلسفه در ایران (مجموعه مقالات فلسفی)

مولفین: استادان گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

طراح جلد: سپیده ظهیری

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۶۸-۰۰-۱

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کیمیای حضور

تلفکس: ۳۶۶۵۵۰۶۲؛ تلفن همراه ۰۹۳۶۱۴۶۸۶۳۲

email: entesharatmehrab@gmail.com

«کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است»

۹.....پیشگفتار

۱۰.....مقدمه‌ای بر تاریخ حکمت در ایران زمین

۴۱.....فصل اول - منطق صوری

۴۳.....۱- علم و اقسام آن (تصور و تصدیق)

۴۵.....۲- فکر و وقوع خطا در آن

۴۸.....تعریف و موضوع منطق

۴۹.....مبحث الفاظ

۴۹.....دالالت و اقسام آن

۵۱.....مبحث کلیات

۵۳.....کلیات خمس

۵۶.....مفهوم و معنی

۵۷.....مقولات شش

۵۸.....معرف یا تعریف

۶۱.....قضیه

۶۵.....عکس

۶۶.....تقابل

۶۸.....حجت یا استدلال

۷۲.....قیاس از نظر ماده (صناعات پنجگانه)

۷۴.....صناعات پنجگانه

۷۴.....۱- برهان

۷۵.....۲- جدل

۷۶.....۳- سفسطه یا مغالطه

۷۸.....۴- خطابه

۷۸.....۵- شعر

۸۱.....فصل دوم - منطق عملی یا اِعمالی (شناخت روش علوم)

۸۲.....معرفت علمی

۸۳.....تخصص علمی و طبقه‌بندی علوم

۸۷.....روش علوم ریاضی

۹۴.....روش علوم طبیعت (استقراء)

۱۰۳		روش علوم زیستی
۱۰۹		روش علوم انسانی
۱۱۸		تاریخ
۱۲۵		فصل سوم - پیدایش و بسط علم کلام
۱۲۶		۲- چرا علم به اصول اعتقادات را علم کلام خوانده‌اند؟
۱۲۹		۳- تعریف علم کلام
۱۳۱		۴- پیدایش علم کلام و مخالفت و موافقت با آن
۱۳۸		۵- پیدایش معتزله
۱۴۰		۶- آراء معتزله
۱۴۲		اصل اول - توحید
۱۴۳		علم
۱۴۷		۷- آرای اشاعره
۱۵۱		۸- سیر علم کلام
۱۵۷		فصل چهارم - ابن سینا و حکمت مشاء
۱۵۸		ترجمه احوال ابن سینا
۱۶۱		آثار ابن سینا
۱۶۶		حکمت طبیعی یا طبیعیات
۱۶۶		حرکت
۱۶۹		تقسیمات حرکت
۱۷۱		مکان
۱۷۳		زمان
۱۷۴		عناصر چهارگانه - طبقات عالم مادی
۱۷۶		اجسام زنده
۱۸۰		حکمت الهی یا الهیات
۱۸۷		مباحث و مسائل الهیات
۱۸۸		علت و معلول
۱۹۳		فصل پنجم - حکمت اشراق
۱۹۳		سرگذشت شیخ اشراق
۱۹۷		کتب و رسالات
۱۹۸		مقصود از حکمت اشراق

۲۰۷	مراتب حکمت و طبقات حکما
۲۰۹	منطق اشراق
۲۲۰	شارحان حکمت اشراق و متأثران آن
۲۲۵	فصل ششم - تصوف و عرفان
۲۲۶	آغاز و اساس و ریشه تصوف
۲۲۸	شریعت - طریقت - حقیقت
۲۳۴	آثار و افکار عمیق عرفانی
۲۳۹	فصل هفتم - اجمالی از سیر فلسفه اسلامی بعد از ابن رشد
۲۳۹	خواص ۱- نصیب الدین طوسی
۲۴۳	۲- حبیب بن مفضل صدر المتألهین
۲۴۴	۱- اصالت وجود
۲۴۸	۲- حرکت کیهانی
۲۵۱	نتایج حکمت اشراق
۲۵۴	سیر فلسفه بعد از صدر اشراق

پیشگفتار

مقالاتی که در این مجموعه، توسط اعضاء هیئت علمی گروه آموزشی فلسفه دانشگاه تهران، فراهم آمده است به منظور تدریس در یک نیمسال در درس عمومی فلسفه با عنوان «فلسفه در ایران» بوده است.

مقاله دایه با عنوان «مقدمه‌ای بر تاریخ حکمت در ایران»، آقای دکتر بهرام جمالی تهیه کرده است؛ «منطق صوری»، خلاصه‌ای است که راقم این سطور بیشتر آن را از کتاب منطقی صوری تألیف آقای دکتر محمد خوانساری اقتباس کرده است؛ «منطق علمی» (شناخت روش علوم) نیز برگزیده این جانب است از کتاب شناخت روش علوم، یا فلسفه علم، ترجمه آقای دکتر یحیی مهدوی، «پیدایش و بسط علم کلام» را آقای دکتر رضا داوری و فصل «ابن سینا و حکمت مشاء» را آقای دکتر محمد خوانساری نوشته‌اند؛ «حکمت اشراق» نوشته آقای دکتر محسن جهانگیری و فصل «تصوف و عرفان» به قلم آقای دکتر سید ابراهیم القاسم و «رحسینی است» و بالاخره «اجمالی از سیر فلسفه اسلامی بعد از ابن رشد» را آقای دکتر احمد احمدی تهیه نموده است.

این مجموعه بدین صورت برای نخستین بار در دانشگاه ادبیات و علوم انسانی تدریس می‌شود. امید است در آینده نزدیک پس از تجدید نظر و تکمیل در دسترس همه دانشجویان و طالبان قرار گیرد.

پنجم بهمن ۱۳۵۸

سید جلال‌الدین مجتبی

مقدمه‌ای بر تاریخ حکمت در ایران زمین

فلسفه به معنای اصیل کلمه یعنی عشق به حکمت^۱ و دوستداری دانش کلی، به صورت گرایش باطنی در ذات بشر نهفته است. اگر به قول ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م) حیرت^۲ را سرچشمه فلسفه بدانیم باید اذعان کنیم که فلسفه در ماهیت از آغاز با حیرت بشری رفته و در حد ذاتی هرگز از جهات زمان و مکان محدودیتی به خود نپذیرفته و منطق قوم خاصی نمی‌باشد. حال اگر حیرت بشری توأم با فراغت^۳ معنوی شود عاقبت می‌داند فی‌مابین جزئی به توجه بشری به مسائل کلی تبدیل شده اندیشه انسانی به فلسفه می‌گردد. البته باید توجه نمود که این ادعا در مورد حکمت به معنی عام کلمه هرگز مفهوم فلسفه به معنی خاص کلمه را که شاید نخستین بار میان یونانیها تجلی صریح و تمام، تدلال داشته نمی‌کند. به حقیقت دو مفهوم عام و خاص فلسفه در این بحث مورد توجه ما باشد: اول مفهوم عام یا حکمت که در ذات بشر فطری است و در کلیه فرهنگها در سطوح مختلف متجلی می‌باشد. دوم مفهوم خاص یا فلسفه به معنی استدلالی صرف که گاهی برای نخستین بار در تمدن یونان زمین ظاهر شد و سپس به دیگر تمدن‌های جهان گریخت.

موسوم اغلب تاریخ‌نویسان غربی است که به روش آرسطو (۱۳۵۰-۱۳۵۰)

۱- فیثاغورس کلمه فلسفه یعنی دوستداری حکمت را برای نخستین بار عنان برد و دیوژن لائرتیوس در آثار خود از فیثاغورس نقل می‌کند که در تعریف فلسفه گفته است «زندگانی فستیوال بزرگی است... بهترین افراد برای مشاهده می‌آیند... و در میان ایشان فلاسفه برای تحصیل حقیقت». هیکس دیوژن لائرتیوس دانشگاه هاروارد ۱۹۵۰ فصل هشتم.

۲- «تمام انسانها طبیعتاً ذاتاً آرزو می‌کنند که بدانند» و «زیرا بعلت حیرت است که بشر، هم اکنون و هم در آغاز» شروع به فلسفه‌پردازی کرده است. «متافیزیک» ارسطو کتاب اول فصل اول و دوم.

۳- اول در مکانهایی که نخست آغاز به فراغت کردند و به همین علت است که صناعات ریاضی در میان مصریان پیدا شد. «متافیزیک» ارسطو کتاب اول فصل اول.

۱۶۰۰ میلادی) همان طور که سرچشمه فرهنگی تمدن غرب را تنها در یونان باستان جستجو می کنند. نخستین تجلی آگاهانه فلسفه را نیز در همان سرزمین یافته به تعریف عام حکمت توجه و عنایتی نکنند^۱ حتی بعضی از متفکران متعصب غربی چون مارتین هایدگر^۲ پدیدار شناس معاصر آلمانی به حدی در این راه افراطی می اندیشند که تفکر فلسفی را تنها یکی از خصوصیات تمدن غرب می دانند. هایدگر در فلسفه پردازی خود ادعا می کند که اصالت فلسفه بر اساس زبان یونانی باستان (قبل از ظهور افلاطون) و در روح زبان آلمانی معاصر (بعد از فلسفه نقادی کانت) نهفته است و اصطلاح «فلسفه غربی» با مفهوم اصلی «فلسفه» در حقیقت به یک معنی می باشد.^۳ داخل شدن در این بحث به راستی از حوصله این مقدمه خارج است اما طبیعت این پژوهش حکم می کند که ما شرقیان ایران زمین را درست نظر بیشتر و درک عمیق تر به فلسفه این جریان فکری که ذاتی بشر و شامل سؤالات اساسی و کلی انسان نسبت به خود، طبیعت و ذات هستی بخش می باشد روبرو سریم. و هر چه از یاد نبریم که در تاریخ فلسفه یونان نیز صیوروت تاریخی پس از سیر چنان سرگشته و پرتو افشانی که از عالم اساطیری و اعتقادات دینی مایه می گرفت عاقبت توانست نظام های فلسفی افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ ق. م) و ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق. م) را به دنیای اندیشه عرضه نماید.

۱- به طور مثال رجوع شود به تاریخ های فلسفه غرب برتراند راسل و کلاسیکون.

۲- مارتین هایدگر ۱۸۸۹-۱۹۷۶ شاگرد ادوموند هوسرول (۱۸۵۹-۱۹۳۸) و هانز گنرکال و مؤسس فلسفه پدیدارشناسی است. فلسفه استاد هایدگر پدیدارشناسی اصالت وجود انسان است که در کتاب هستی و زمان نخستین بار به سال ۱۹۲۷ در آلمان به چاپ رسید.

۳- «فلسفه غربی اروپائی» اصطلاحی که اغلب شنیده می شود در حقیقت یک تکرار معلوم است! چرا؟ چون فلسفه ذاتا در ماهیت یونانی است «فلسفه چیست؟» مارتین هایدگر ترجمه ج ویلد انتشارات کالج و دانشگاه ۱۹۵۶ ص ۳۱.

باید اذعان نمود که انسان هر زمان و هر کجا از پیدایش وجود خود، سرچشمه طبیعت^۷ علت ایجاد کیهان، سر زمان بی کران، حقیقت متعالی و جاوید الهی و مفهوم خیر در مقابل شر برای فرد و خانواده و اجتماع، سؤال می کند، برآستی به سرزمین حکمت قدم نهاده است گرچه ممکن است در آن مرحله از تکامل فکری، وجدان و آگاهی کامل به اهمیت این حیرت نداشته باشد زیرا فلسفه در اصل هنر سؤال کردن است و در آموختن عملی جواب گفتن. اکنون که خلاقیت فلسفه روشن گردید و معلوم شد که در ذات هر چگونه محدودیت ندارد به نیکی می توان در مطالعه فلسفه در ایران با عنایت به ریشه اساطیری ایران باستان و ظهور حکمت ذوقی ادیان این بررسی را آغاز نمود و البته در این مهم قضایات شیخ اشراق سهروردی فیلسوف ایرانی نیز مد نظر می باشد که سرچشمه حکمت را یکی می داند و پدر حکماء را هرمس نامیده تجلی فلسفه راستین را در تمدن ایران به حکمت افلاطون و در تمدن یونان به حکمت خسروانی تعبیر می کند. بنابراین قواعد و ضوابط اشراق در باب نور و ظلمت که راه و روش حکماء و دانایان سرزمین پارس است بمانند حکماء و فرشادشور و بوذرجمهر و کسانی که پیش از اینان بودند، بر رمز نهاده شده است و گمان مبرید که حکمت و دانش در همین مدت کوتاه و برهه روزگار وجود داشته است و لا غیر^۸

اما چون تدریس کامل تاریخ حکمت در ایران زمین به حقیقت خارج از حوصله یک کلاس عمومی در یک نیمسال می باشد و بررسی ظهور، استمرار و حیات معنوی حکمت اسلامی، که چهارده قرن در ایران زمین تاریخ دارد، بیشتر مورد توجه می باشد در این نگارش به طرح بسیار کوتاهی از حکمت ایران باستان اکتفا می گردد.

سیر حکمت در ایران را می توان از جهت تاریخی و از جهت سیر تکامل اندیشه به

سه دوره تقسیم نمود از جهت تاریخی سه دوره اصلی عبارتند از: (الف) فرهنگ قبل از آریائی که از آغاز تمدن ایران زمین تا مهاجرت اقوام آریائی در هزاره دوم قبل از میلاد ادامه دارد.^۱ (ب) فرهنگ عصر باستان که از آغاز تمدن آریائی شروع می شود و با عصر اسلام در قرن اول هجری پایان می پذیرد.^۲ (ج) عصر اسلامی که از استقرار اسلام در ایران تا قرن حاضر حیات مستمر معنوی دارد. اما از جهت تکامل اندیشه سه صورت در تطور حکمت در ایران مورد بحث می باشد: اول حکمت اساطیری که شهود آریائی بر پایه ناخود آگاه جمعی^۳ از طریق ذوق به صورت بینش اولیه ظاهر می شود. دوم حکمت ادیان که ایمان به اصالت وحی از طریق دین سیر حیات معنوی محدود را در گرایش به محدود مشخص می سازد. سوم حکمت فلسفی به معنی

۱- تمدن به معنی شهرت بی " دراره هشتم قبل از میلاد در ایران آغاز می شود. و نخستین حکومت در جنوب ایران بدست ایری ها و عرمی ها حدود ۲۹۰۰ قبل از میلاد بوجود می آید که پس از مهاجرت آریائی ها و تشکیل حکومت ها در قرن هفتم قبل از میلاد استقلال خود را از دست می دهد. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به بونی و لندنت باستانشناسی ایران باستان ترجمه عیسی بهنام دانشگاه تهران ۱۳۴۸.

۲- تمدن غیر آریائی و غیر سامی ایلامیها در شوش فرهنگ غنی دو هزار ساله خود را به مهاجران آریائی ارائه نمودند و تمدن آریائی پس از تسلط بر ایران زمین تا پیش از اسلام به چهار صورت مادی، هخامنشی، پارتی و ساسانی ظاهر گردید. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به ایرانشهر دانشگاه تهران ۱۳۴۲ جلد اول.

۳- فلاسفه در مورد اهمیت اسطوره اختلاف نظر اساسی دارند. افلاطون با تأسیس مذهب تمام از بینش اساطیری در آثار خود استفاده می کند در حالی که ارسطو با توجه به لوگوس در بیان منطقی بر افلاطون ایراد می گیرد. در عصر جدید پس از ویکو قرن ۱۷ و ماکس میولر (قرن ۱۹) کارل گوستاو یونگ در قرن بیستم عالم اساطیر را به یاری ناخود آگاه همگانی تفسیر می کند. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به یونگ مقالات در مورد علم میتولوژی ترجمه هال نیویورک (۱۹۴۴).

خاص که اندیشه بشری در محیط علمی به طرح صریح سؤالات کلی پرداخته از طریق استدلال سعی در یافتن جواب‌های دقیق، کلی و ضروری می‌کند.

حکمت اساطیری، مطالعه ظهور اندیشه و تجلی حکمت در عصر قبل از آریاییان در ایران زمین بسیار مبهم و پیچیده است. در این دوره، که به دیار سنت شفاهی تعلق دارد، هیران بشری برای شناخت اسرار حقیقت در لوای اعتقادات اولیه، که به لباس اساطیری ظاهر می‌شوند، به جوابهای ابتدائی قناعت می‌نماید. بینش اساطیری، که بر وجدان یا باطن ناخودآگاه همگانی استوار است، آینه کامل و تمام عیاری از میراث معنوی و دانش شلرود: - تئوسوفی بشر ابتدائی است که در سنت شفاهی از نسلی به نسلی سیر نمود، زمینه حکمت دومی ادیان را فراهم می‌آورد. بینش اساطیری که در ایران قبل از تاریخ به چند اصل بود (روح، تناء نفس، تناسخ، زنده‌پنداری کیهان، نیایش خورشید، و احترام به آتش) استوار بوده در نخستین تجلی حکمت ادیان در ایران زمین بیاری تمدن ایلامی به صورت دین کنائی و حکمت ذوقی ظاهر می‌گردد. با تکامل شهرنشینی (شوش) انسان وحدت ابتدائی را ترسان می‌کند و در عالم اندیشه خود را در برزخ میان طبیعت و روحانیت یافته بران ترجه حقایق میان وجود محدود خود و عالم نامحدود به موجودات میانه یعنی عالم مرشنگان یا جواهر غیرمادی ایمان می‌آورد. و به منظور تنظیم عالم آشفته خدایان (سرچشمه‌های سرری طبیعت) چند ملیتی بت‌ها را می‌تراشد اما عاقبت اصل وحدت‌اندیشی (نخست ترکیبی و سپس انتزاعی) که فطری و ذاتی بشر است در مطالعه، سلسله مراتب را به سوی مفهوم خدای خدایان و در کمال منطقی خدای بزرگ می‌برد.

حکمت ادیان اساطیری - در تاریخ حکمت ادیان ایرانی نام این شوشیناک خدای شوش، خدای بزرگ، خدای خدایان که در معبد ایلامی شهر هفت تپه مورد پرستش بوده اولین نشانه از این مرحله تکامل در اندیشه ایرانی است و اما تجلی حکمت ادیان

میان ایرانیان آریائی همانا دین کنانی میترا یا مهرپرستی^۱ است که به سنت شفاهی بار امانت اسطوره‌های چند خدائی را از سرزمین اصلی بر دوش کشیده به ایران زمین می‌آورد. در ادبیات دینی ایران باستان کلمه میترا یا مهر، خداوند دوستی و پیمان با مفاهیم خورشید و نور در اصل به یک معنی می‌باشد. در اوستا^۲ میترا نه تنها فرشته جنگ، با هوش و نیرومند است، بلکه در آخرت یکی از قضات الهی به شمار می‌رود که ارواح نیک را یاری می‌کند تا از پل چینوات میان آتش به سوی بهشت هدایت شوند. ستار^۳ مهر که نخست در غارهای طبیعی با تاریکی آغاز می‌شود به نور آتش و با قربانی کردن گاو مقدس پایان می‌پذیرد^۴ در این مقام غار همچون تمثیل مغاره افلاطون در جمهوریت^۵ آینه‌ای از عالم است و قربانی کردن گاو مقدس مطابق یک افسانه اساطیری سلامت تصویر حیات و آفرینش نوین می‌باشد. حضور سمبل‌های متعدد مذهبی چون عناد، راه (نور) به علامت آتش، کلاغ به علامت هوا، ظرف به علامت آب و مار به علامت خاک و نام خدایان دیگر چون اهورا، لونا و ایندرا به خوبی نشان می‌دهد که سیر حکمت در ایران زمین از عالم اسطوره‌ها به عالم ادیان رسیده اما در راه تکامل هنور در بند سمبل‌ها و ابتدائی و محتاج به افسانه‌پردازی است و در حقیقت یگانه‌پرستی فدای روح سازش و تلفیق سنت‌های مختلف فرهنگی برای جلب بیشتر پیروان شده است. به طور خلاصه مهرپرستی عبادی معنوی با عالمی روحانی است که در سیر حیات خود نخست به صورت یک آیین اساطیری میان

۱- پور داود آناهیتا امیرکبیر تهران ۱۳۴۲ فصل مهر صص ۸۶-۱۰۵.

۲- اوستا - مهریشت دهمین یشت که از سرودهای مذهبی زرتشتیان می‌باشد.

۳- مارتن و رمازون آتین میترا ترجمه بزرگ نادرزاد تهران ۱۳۴۵، ص ۴۲-۴۷.

۴- افلاطون جمهوریت کتاب هفتم.

ایرانیان آریائی ظاهر گردید و سپس در حکمت زردشتی به صورت یکی از امشاسپندان آن درآمد و در مرحله سوم به صورت مستقل راهی دنیای روم گردید و عاقبت با اشاعه مسیحیت استقلال خود را از دست داده و در سنت معنوی دین مسیح برای همیشه جذب شد.^۱

حکمت زرتشت - اگر پرستش این شوشیناک و ستایش مهر را حذفاصل میان بینش اساطیری و حکمت آریان بپنداریم باید زرتشت را بنیادگذار حکمت ادیان در سنت آریائی بنامیم. زرتشت با احتمال قوی هشتصد تا یکهزار و یکصد سال پیش از مسیح در غرب ایران (ایران) به عرصه وجود گذاشت و به یاری جاماسب وزیر دین الهامی او مورد تأیید و مساعدی و قبول آریائیان شرقی قرار گرفت.^۲ سنت شفاهی زرتشت سینه به سینه به یاری - انچه موبدان آریائی پیدا می کنند تا زمان هخامنشیان که نخستین بار به خط آرامی به نگارش درمی آید و پس از گزند اسکندر و حکومت سلوکیان عاقبت در عصر ساسانیان اوستا همراه با تفسیر زند به زبان پهلوی تدوین می گردد. چنانکه از متون اوستائی به صراحت برآید زرتشت زمانی ظهور می کند که سه مسئله اساسی و حیاتی یعنی (الف) تضاد با فرهنگهای به می در راه تسلط بر ایران زمین، (ب) تحول از زندگانی ایلی متحرک به زندگانی ثابت کشاورزی، (ج)

۱- رجوع شود به کتاب خستار درباره مهر و ناهید تألیف م. مقدم انتشارات مرکز ایران مطالعه فرهنگی تهران ۱۳۵۷.

۲- کتاب پهلوی بندهش ظهور زرتشت را مقارن سلطنت گشتاسب ذکر می کند. مسعودی و بیرونی فاصله حیات زرتشت تا استیلای اسکندر را سه قرن می نویسند. اما افلاطون در رساله اکیبیداس زمان زرتشت را پنج هزار سال قبل از جنگ تروا می داند.

۳- کتاب مقدس زرتشتیان اوستا نام دارد که شامل پنج بخش یسنا که بخشی از آن را گاته‌های اصلی یعنی اشعار مذهبی زرتشت تشکیل می دهد. و سپرد، وندیداد، یشتها و خورده اوستا

حفظ اصالت ملی در مقابل اندیشه‌های ابتدائی و انشعابی هندی برای اقوام آریائی ایرانی مطرح می‌باشد.

حکیم زرتشت در مقابل خرافات دنیای قدیم (پرستش عناصر طبیعی، سنت قربانی کردن مهرپرستان، آئین نوشیدن شراب سکرآور هوم) قد علم می‌نماید و بر اساس خرد تیشه بر بنه‌های جهان اساطیری می‌زند و مقدمه صلح و یکتاپرستی^۱ را فراهم می‌سازد. این مصلح عالیقدر عهد باستان با هشیاری تمام به پایان حیات بی‌ثبات ایللی و اصل حرکت^۲ که لازم می‌آید سرمایه‌های جدید «اریان و یوجه» بود می‌اندیشد و در مقابل به آغار اصل پرورش زمین و حیات پر ثبات کشاورزی در فلات نوین یعنی ایران نوید می‌دهد. زرتشت پیرو فریاد فزاینده تفلیقی آریائی به اندیشه‌های پراکنده و تضادهای اساطیری نظام می‌شد و بر گرایش به سوی وحدت نام یکی از خدایان مشهور ایرانی یعنی اهورامزدا (سرور خو) را انتخاب نموده اسامی اغلب خدایان عهد باستان را به صورت فرشتگان یا امشاسپندان^۳ در نظر معنوی خویش نگاه می‌دارد. عاقبت در راه تحکیم هویت ملی در تقابل و تضاد افسانه‌های اساطیری ابتدائی و انشعابی هندیان بت‌های هندی را به شمایل بیگانه دواها (دوران اهریمنی) در برابر اهورامزدا خدای خیر و دنیای امشاسپندان قرار می‌دهد.^۴

۱- شهرستانی در الملل و النحل زرتشت را موحد می‌داند «راه یک» است. آن راه راستی است همه راههای دیگر بیراهه است». ویسپرد به تصحیح ابراهیم پور داود کتابخانه انجمن ۱۳۴۲ ص ۷۴.

۲- امشاسپندان دین زرتشت عبارتند از بهمن = پندار نیک، اردیبهشت = عدالت = مهرپور = نیرو، خرداد = کامروائی، اسفندارمذ = لطف، مرداد = جاویدانی برای اطلاع بیشتر رجوع خود به کتاب زرتشت و جهان غرب تألیف دوشن گیمن ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات انجمن فرهنگ ایران باستان تهران ۱۳۵۰ فصل سوم.

۳- کریستن سن مزدپرستی در ایران قدیم ترجمه دکتر ذ. صفا دانشگاه تهران ۱۳۳۶ ص ۲۶.